



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

کوروش مردم شهر را کشته است؟! (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ ۱۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نویسنده: فریدون فرمزار برگرفته از وبسایت نقد رضا مرادی غیاث آبادی اهالی شهر یا میدان جنگ؟! غیاث آبادی در یک ادعای عجیب می نویسد: در فصل سوم کتاب سوم نقل شده که کورش و سپاهیان به اندازه‌ای از اهالی شهر را کشتند که «زنان شیون و زاری آغاز کردند و دیوانه‌وار به هر سو می‌گریختند. آنان اطفال خود را به آغوش گرفته بودند و از معدود کسانی که زنده مانده بودند، استغاثه می‌کردند که نگذارید ما تنها و بی‌پناه بمانیم». بنگرید به: کورش بزرگ و مصادره اسناد تاریخی، رضا مرادی غیاث آبادی، دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۰ باز هم



Babak Tafreshi

نویسنده: فریدون فرمزار

برگرفته از وبسایت نقد رضا مرادی غیاث آبادی

اهالی شهر یا میدان جنگ؟!

غیاث آبادی در یک ادعای عجیب می نویسد:

در فصل سوم کتاب سوم نقل شده که کورش و سپاهیان‌ش به اندازه‌ای از اهالی شهر را کشتند که «زنان شیون و زاری آغاز کردند و دیوانه‌وار به هر سو می‌گریختند. آنان اطفال خود را به آغوش گرفته بودند و از معدود کسانی که زنده مانده بودند، استغاثه می‌کردند که نگذارید ما تنها و بی‌پناه بمانیم».

بنگريد به: کورش بزرگ و مصادره اسناد تاریخی، رضا مرادی غیاث آبادی، دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۰

باز هم آقای غیاث آبادی مطالب مهم تری که قبل و بعد از این رویداد گفته می شود را در نظر نگرفتند و چیزی وارونه را القا دادند.

اول اینکه این رویداد در شهر اتفاق نمی افتد بلکه در میدان جنگ است و شاید این ابهام پیش آید که زنان در این هیاهو چه می کنند؟! گزنفون در بخش سوم از دفتر چهارم توضیح می دهد که در آسیا جنگجویان به همراه خود زنان و دارایی های خود را می بردند:

دانستنی است که تا به امروز ایل های آسیا هر آن گه که رأی بر جنگ می نهند گران ارج ترین دارایی خویش به همراه می برند. چنین گویند که در برابر آن زیبا رخا، رزم آوران دل باخته ی ایشان، نیکوتر رزم کنند؛ چرا که شور پاییدن و پاس داشتن از آن گنج های گران بر دل و روان شان چنگ می افکند. شاید که چنین بُود و شاید نیز آتش های درون [نیاز های شهوانی] باشد دلیل آن.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۴، بخش ۳، بند ۲، ترجمه ابوالحسن تهامی

رویداد مورد بحث هم در میدان جنگ اتفاق افتاده است و آنچه غیاث آبادی می گوید (به اندازه ای از اهالی شهر را کشتند)، کاملاً مردود است.

حال ببینیم حقیقت ماجرا چه بوده است. گزنفون در بخش سوم از دفتر سوم به بررسی اولین جنگ کوروش و آشوریان می پردازد. سپاهیان کوروش با دلوری تمام به دشمن می تازند و برخی از سپاهیان دشمن فرار را به قرار ترجیح می دهند. **در این هنگام است که زنان و دیگر متحدان آشوریان از فراریان آشوری خواهش می کنند که فرار نکنند.** آنگاه شاهزادگان آشوری گرد می آیند و کوروش به دلیل کم بودن تعداد سپاهیان نسبت به دشمن روا نمی بیند که سپاهیان به لشکرگاه دشمن درون شوند؛ از این رو دستور عقب نشینی می دهد.

بنگريد به: کوروش نامه گزنفون، دفتر ۳، بخش ۳، بندهای ۶۳ تا ۷۰

پس اصلاً موضوع، چیزی نیست که آقای غیاث آبادی می فرمایند و اصلاً حرف کشتن شهروندان به میان نمی آید.

در اینجا متأسفانه آقای غیاث آبادی در یک اقدام زننده و ناجوانمردانه حتی ترجمه رضا مشایخی (ترجمه ای که غیاث آبادی به آن استناد می کند) را هم تغییر داده است.

در ترجمه ی رضا مشایخی آمده است:

«از فراریان استغاثه می کردند.»

کوروش نامه گزنون، دفتر ۳، بخش ۳، بند ۶۷، ترجمه رضا مشایخی

عجیب آنکه غیاث آبادی این بخش را اینچنین می نویسد:

«از معدود کسانی که زنده مانده بودند، استغاثه می‌کردند...»

شاید گزنفون در اینجا می‌خواهد بزدلی برخی از سپاهیان آشوریان را نشان بدهد و فرق میان سپاه کوروش که اهداف بالایی برای جنگیدن دارند و آن دفاع از سرزمین خود است؛ با آشوریانی که ترسو هستند را نشان دهد. در اینجا به اسیر شدن کسی اشاره نشده است و از عقب نشینی سپاه کوروش یاد شده است اما جدا از این رویداد، باید توجه داشت که گزنفون در بخش‌های دیگر کوروش نامه به رفتار خوب کوروش با اسیران اشاره می‌کند. به گفته ی گزنفون کوروش اسیران را آزاد می‌کرده است که در ادامه به این موضوع بیشتر می‌پردازیم.

قتل‌عام مردم نینوا روی داده است؟!

غیاث آبادی مدعی است بر اساس کوروش نامه ی گزنفون، کوروش بزرگ مردم نینوا را قتل‌عام کرده است. او در مطلبی با عنوان «کوروش بزرگ و قتل‌عام مردم نینوا» می‌نویسد:

آنان [سپاهیان کوروش] در حالیکه بانگ جشن و شادی در شهر پیچیده بود، وارد شهر شدند و هر آنکس را که می‌دیدند به ضرب تیغ از پای در می‌آوردند. گزنفون نقل کرده که: «کوروش به سواره نظام و سربازان خود فرمان داد هر کس را که در کوچه‌ها یافتند، بکشند».

پس از این پیروزی، اولین اقدام کوروش و سپاهیان‌ش این بود که در برابر خدایان به میمنت این پیروزی شکرگزاری کنند و سهمی از غنائم ناشی از غارت شهر را به معابد خدایان اختصاص داد.

کوروش همچنین فرمان داد تا خانه‌های بزرگان شهر را مصادره کنند و به سردارانی که مجاهدت بیشتری کرده بودند، واگذار شوند. او به مردان تحت امر خود اختیار داد تا اسیران جنگی را تحت مالکیت خود نگه دارند.

کوروش به مردم نینوا فرمان داد که از حاکمی که او معین می‌کند، فرمانبرداری کنند و به کشت و کار مشغول شوند تا بتوانند خراج و غنائم لازم را پرداخت کنند.

بنگريد به: رنج‌های بشری ۱۷۹: کوروش بزرگ و قتل‌عام مردم نینوا، رضا مرادی غیاث آبادی، جمعه ۹ تیر ۱۳۹۱

این بخش همان بخش مربوط به فتح شهر بابل است و در بیشتر ترجمه‌ها از لفظ «بابل» در این بخش بهره بردند. اما در ترجمه رضا مشایخی، لفظ «نینوا» استفاده شده است. درباره فتح بابل منابع مهم تری مانند منشور کوروش و رویداد نامه نبونید-کوروش در دست داریم.

اما در اینجا به بررسی گفته‌های گزنفون و تحریفات غیاث آبادی می‌پردازیم.

غیاث آبادی می نویسد:

«آنان [سپاهیان کوروش] در حالیکه بانگ جشن و شادی در شهر پیچیده بود، وارد شهر شدند و هر آنکس را که می‌دیدند به ضرب تیغ از پای می‌آوردند.»

اما متن کوروش نامه گزنفون اینچنین است:

سپاه آغازید به درون شهر رفتن، و از کسانی که با ایشان رویاروی آمدند چندی کشته شده و بر زمین افتادند...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۲۶، ترجمه ابوالحسن تهامی

مشخص است که بر اساس کوروش نامه گزنفون، سپاهیان کوروش با جنگجویان در افتاده اند و آنها را کشتند.

در ادامه غیاث آبادی می نویسد:

«کوروش به سواره نظام و سربازان خود فرمان داد هر کس را که در کوچه‌ها یافتند، بکشند...»

اما متن اصلی کوروش نامه گزنفون اینچنین است:

کوروش، دسته های سوار فرستاد به برزن ها و کوی ها و فرمان دادشان تا هر که را در کوچه ها ببینند بر زمین افکنند، و به آن کسان که آشوری گفتن می دانستند فرمان داد تا در کوی ها و کوچه ها بانگ افکنند و باشندگان را بگویند در سراهای خویش بمانند، اگر مرگ را نمی خواهند.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۳۱، ترجمه ابوالحسن تهامی

Cyrus sent squadrons of cavalry down the different roads with orders to kill all they found in the street, **while** those who knew Assyrian were to warn the inhabitants to stay indoors under pain of death

همان، ترجمه Henry Graham Dakyns

غیاث آبادی با حذف بخش مهمی از این قسمت، موضوع دیگری را القا کرده است. کاملاً مشخص است که گزنفون می خواهد بگوید کوروش به منظور کنترل اوضاع، چنین فرمان هایی صادر کرد. روشن است که به ساکنان اطلاع دادند که اگر در خیابان ها بمانند کشته خواهند شد و این موضوع برای کنترل اوضاع مطرح شده است. گزنفون در

ادامه از کشته شدن کسی توسط سربازان کوروش چیزی نمی گوید؛ و از رفتار خوب کوروش با مردمان سخن به میان می آورد (در ادامه در این باره توضیحاتی داده خواهد شد).

اما به هر حال این ها مواردی از هزاران روایاتی اند که درباره کوروش گفته می شوند. همانطور که در ابتدای بحث گفتیم، «در این نوشتار پیش از اینکه به دنبال این باشیم که کوروش چه کرده است؛ به دنبال این هستیم که گزنفون چه نوشته است. حال در یک بحث مفصل دیگر می توان درباره درستی یا نادرستی هر کدام از آن ها تحقیق کرد.»

اما از آنجایی که به نظر می رسد این گفته ی گزنفون در قسمت مربوط به فتح بابل نوشته شده است و اسناد دقیقی مانند منشور کوروش و رویداد نامه نبونید-کوروش در دسترس داریم؛ در ادامه، درستی یا نادرستی چنین روایاتی را -البته خیلی کوتاه- بررسی خواهیم کرد.

غیاث آبادی در ادامه می نویسد:

«پس از این پیروزی، اولین اقدام کورش و سپاهیان او این بود که در برابر خدایان به میمنت این پیروزی شکرگزاری کنند و سهمی از غنائم ناشی از غارت شهر را به معابد خدایان اختصاص داد.»

غیاث آبادی در اینجا از خود در آورده است که غنائم از غارت شهر بدست آمده اند و اصلاً چنین چیزی در کوروش نامه گزنفون نقل نمی شود. اصل متن این گونه است:

از آنها [مغان] خواست که زمین هایی را برای ساختن نیایشگاه و نخستین میوه های پیروزی و پروه ها (غنیمت ها) را برای پروردگار برگزینند.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۳۵، ترجمه خشایار رخسانی

گزنفون هیچ حرفی از غارت شهر نمی زند. البته طبیعی است که در بارگاه های حکومتی دشمن، غنائم زیادی موجود بوده است و همیشه همین موارد به درد فاتحین می خورده است.

غیاث آبادی در ادامه می نویسد:

کورش به مردم نینوا فرمان داد که از حاکمی که او معین می کند، فرمانبرداری کنند و به کشت و کار مشغول شوند تا بتوانند خراج و غنائم لازم را پرداخت کنند.

اما گزنفون می نویسد:

در همین زمان فرمان ها فرستاد بابلیان را که زمین هاشان شخم کنند و دانه ها بپراکنند و خراج هاشان به تازه گمارده فرماندهان بپردازند...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۳۶، ترجمه ابوالحسن تهامی

در اینجا غیاث آبادی با آوردن جمله «تا بتوانند خراج و غنائم لازم را پرداخت کنند»، اینچنین القا کرده است که مردم مجبور بودند فقط برای پرداخت خراج کار کنند، در صورتی که گزنفون می خواهد بگوید فرماندهان جدیدی گمارده شدند تا وظیفه ی گرفتن مالیات را انجام دهند تا روال منظم برقرار شود. خواهیم دید که کوروش به فکر مردم و نیکی کردن به آنها بوده است. بر اساس کوروش نامه گزنفون از اینجا مشخص می شود که فتح شهر بوسیله کوروش، در زندگی روزمره مردم خللی ایجاد نکرد. مردم به کار خود ادامه دادند و خیلی زود همه چیز در جای خود قرار گرفت.

بر اساس گفته گزنفون کوروش رفتار خوبی با مردم شهر داشته است (بر خلاف گفته های غیاث آبادی)

مشخص نیست از چه رو غیاث آبادی مطلبی که بعد از این موضوعات در کوروش نامه گزنفون آمده و حاکی از نیکی با مردم است را قبل از وارد شدن به این موضوع آورده است.

آقای غیاث آبادی باز هم تحت تأثیر بررسی های کم، نوشته است:

«او به مردان تحت امر خود اختیار داد تا اسیران جنگی را تحت مالکیت خود نگه دارند.»

اینجا باز هم مشکل در ترجمه ی آقای رضا مشایخی می بینیم و به نظر می رسد بار دیگر آقای مشایخی ترجمه خوبی از این قسمت نکردند. در اینجا باز هم به منظور اثبات این موضوع، به ترجمه های دیگر اشاره می کنیم:

خشایار رخسانی:

به بسیاری از همبستگان که برای ماندن با خودش برگزیده بود، دستور داد که با آنها که زیر فرمانشان گذاشته شده بودند، بگونه ای رفتار کنند که یک سرور با پیشکارانش میکند.

Henry Graham Dakyns:

As for his partners the Persians, and such of his allies as elected to remain with him, he gave

them to understand they were to treat as subjects the captives they received

ابوالحسن تهامی:

همگنان خویش-نژادگان پارسیان و آن هم پیمانان که گزیده شده بودند تا وی را در کنار باشند- فرمود که با مردم بابل همچون رعیت رفتار کنند و رعیت پرور باشند.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۳۶

می توانیم بپذیریم که در اینجا گفته می شود همچون اسیرانی که گرفتند یا زیر دستانی که داشتند با آنها رفتار شود. هر کس از ابتدا کوروش نامه گزنفون را مطالعه کرده باشد، متوجه می شود که کوروش رفتار خوبی با اسیران داشته است و همانطور که پیش از این هم اشاره شد، آنها را آزاد می گذاشته و اجازه کار های سابق و کشاورزی را به آنها می داده است. (بنگرید به : کوروش نامه گزنفون، دفتر ۴، بخش ۴، بندهای ۱۱۰ و همچنین کوروش نامه گزنفون، دفتر ۳، بخش ۲، بند ۱۲)

پس متوجه می شویم که منظور کوروش آن بوده که همانند اسیران و زیر دستانی که پیش از این رفتار خوبی با آنها داشتند، رفتار خوبی با آنها داشته باشند. این رفتار خوب در ادامه ی گفته گزنفون کاملاً هویدا است و این موضوع را به اثبات می رساند.

گزنفون در ادامه از سخنان کوروش پیرامون برخورد خوب با مردم بابل می نویسد، کوروش در یک شورا به دوستانش می گوید:

نه تنها کارهای من و شماییان، که کارهای این مردمان نیز، که بر ماست تا تیماردارشان باشیم. از این رو از شماییان در می خواهم که اندرین سودا رأی زنید من و اندرز دهیم...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۴۷، ترجمه ابوالحسن تهامی

بر اساس نوشته گزنفون، کوروش پس از سر و سامان دادن به وضعیت حکومتی در بابل باز در یک سخنرانی می گوید:

نگهداشت و فرمان روایی بر آن ها [کشور ها] بی خویش تن داری و ژرف اندیشی و تیمار داشت مهر آمیز و بی پایان باشندگان آن فراخ کشور شدنی نباشد.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۷۶، ترجمه ابوالحسن تهامی

و یا در جایی دیگر کوروش به طور کلی می گوید:

دل بسته کردن مردمان نه با درشتی و تندخویی ست که با تیمار و اندوه خواری های مهرورزانه است...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بندهای ۳۷ و ۳۸، ترجمه ابوالحسن تهامی

اما آقای غیاث آبادی اصلا اشاره ای به این موضوعات نکرده اند!

بر می گردیم به عنوان مطلب آقای غیاث آبادی: **کوروش بزرگ و قتل عام مردم نینوا**

همانطور که مشاهده کردید اصلا هیچ جا از قتل عام مردم عادی سخن به میان نیامده است. اگر مردم شهر قتل عام شده بودند دیگر گذاشتن مأمور مالیات و نیکی کردن و بارعام دادن به مردم که در کوروش نامه بیان می شود، چه معنایی دارد؟!

بازی با واژگان

همانطور که میبینید اگر بخواهیم جملاتی را گزینش کنیم و هر کدام را جدا گانه و بدون بررسی آنچه قبل و بعد از متن آمده، بررسی کنیم؛ اختلاف در واژگان ترجمه ها مشاهده می شود. ما نباید با واژگان بازی کنیم! هر کس که این بخش کوروش نامه گزنفون را کامل مطالعه کند متوجه می شود که گزنفون در این بخش می خواهد بیان کند که کوروش با مدیریت خوب، بدون نقص و عادلانه ی خود کاری کرد که هم رئیس کوروش، هم سپاهیان و هم مردم از او راضی باشند.

گزنفون در ابتدای کتاب می نویسد:

بدینسان، با ژرف اندیشی ای که ما در این نمونه آوری کردیم، به این بازده رسیدیم، که بنا بر گوهری که آدمی از آن ساخته شده است، چیره شدن بر هر کدام از آفریدگان (مخلوق های) دیگر، خیلی ساده تر از چیره شدن بر آدم هاست. ولی اگر ما این سنجش را به فرمانبردار کردن شمار زیادی از آدم ها، مردم شهر ها و کشورها گسترش بدهیم، ناگزیر به دگرش رای خود خواهیم شد، و خواهیم گفت که چیره شدن بر مردم میتواند کاری باشد که نه نشدنی و نه هتا (حتی) دشوار، اگر که آدم در انجام آن خردمندانه پیش رود. به هر حال، ما میدانیم که مردم، خواهان پیروی از کوروش بودند، با آنکه برخی از آنها به اندازه روزها و دیگران به اندازه ماه های بیشماری از او دور بودند...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۱، بخش ۱، بند ۳، ترجمه خشایار رخسانی

در طول کتاب گزنفون مواردی را می نویسد تا بیان کند چه چیز هایی باعث می شد که «مردم، خواهان پیروی از کوروش» باشند. آنچه غیاث آبادی بیان می کند تنها بازی با واژگان، بدون در نظر گرفتن مطالب قبل و بعد از کوروش نامه گزنفون است.

گزنفون

بررسی صحت این روایات

معمولا پژوهش گران در بحث های تاریخی و بررسی چگونگی عملکرد شخصیتی مانند کوروش که روایت های نا همسان درباره او، توسط مورخان گوناگون گفته شده است؛ منابع مختلف مانند منابع یونانی، منابع یهودی و حتی شاهنامه فردوسی و... را کنار هم می گذارند و به بررسی اشتراکات آنها می پردازند. خوشبختانه آثار باستانی ارزشمندی مانند منشور کوروش بزرگ و رویدادنامه نبونید-کوروش و حتی منشور نبونید (آخرین پادشاه بابل) بدست آمده است که با یکدیگر هماهنگی دارند و می توان گفت از نظر اعتبار در جایگاه بالاتری نسبت به گفته مورخان یونانی قرار می گیرند.

پژوهش گر به هر روایت که می رسد چند سوال از خود می پرسد. آیا در منبع خطایی نیست؟ آیا منابع در این روایت اشتراک نظر دارند؟ آیا شواهدی از بیرون این روایت را تأیید می کند؟ کدام منبع (که معتبر تر است) را باید مبنا و اساس قرار دهیم؟ و... بعد از بررسی های دقیق به یک نتیجه می رسد. نمی شود کسی را در دادگاه متهم کنیم و بدون بررسی اسناد و مدارک و تحقیق درباره درستی یا نادرستی گفته ها، حکم اعدام برای آن متهم ببریم. بحث تاریخی هم، چنین حالتی دارد.

به راستی کهن ترین نسخه های کتاب های به جا مانده از مورخان یونانی مربوط به چه زمانی است؟! آیا ما مطمئن هستیم که هیچ تغییر و دگرگونی در روایات این مورخان صورت نگرفته است؟! در بررسی همین کوروش نامه ی گزنفون، پژوهش گران به نتایج جالبی رسیده اند. عده ای بخش هشتم از دفتر هشتم کوروش نامه را گفته های گزنفون نمی دانند؛ چرا که شیوه نگارش گزنفون را ندارد و با در نظر گرفتن کتاب بازگشت (دیگر اثر گزنفون) بخش هایی از آن رد می شود. به نظر می رسد بازنویسان، پس از مرگ گزنفون آن را به کتاب افزودند. همچنین با بررسی منابع متوجه می شویم که روایات مورخان یونانی با نوعی آمیختگی روبرو هستند. البته شاید وضعیت کوروش نامه ی گزنفون در این زمینه بهتر باشد؛ چرا که به نظر می رسد نوشته های هرودوت و کتزیاس با افسانه های یونانی آمیخته شده اند ولی نوشته های گزنفون با روایت های دیگر مردان پارسی و مادی آمیخته شده است. جالب است که در کوروش نامه ی گزنفون بر خلاف گفته های هرودوت و کتزیاس، افسانه های غیر قابل باور دیده نمی شود و گویا یک خرد و یک پژوهش گسترده پشت آن بوده است و البته باید توجه داشت که بخش هایی از کوروش نامه ی گزنفون هماهنگی بسیار جالبی با روایت های ایرانی مانند شاهنامه و... دارد و این موضوع به ارزش کوروش نامه

می افزاید.

به هر حال اگر هم بپذیریم این گفته های بجا مانده از خود گزنفون است باز هم احتمال اشتباه توسط گزنفون وجود دارد چرا که گزنفون سال ها پس از کوروش بزرگ زندگی می کرده است و هر مورخ و هر پژوهشگر ممکن است موضوعی را فراموش کند و ناخواسته دو موضوع را با هم قاطی کند. در زمان گزنفون، احتمال خطاهای سهوی وجود داشته است. اما گزنفون با این اثر خود، تأثیر بسیار خوبی گذاشت و حتی ممکن است خیلی از گفته های او درست باشد اما اینکه گفته های او را به صورت صددرصدی بپذیریم، درست نیست.

پس می توان گفت آثار باستانی بدست آمده از درجه اعتبار بالاتری برخوردار هستند و می توان آنها را مبنا و اساس قرار داد. به ویژه زمانی که سه منبع باستانی مهم یعنی منشور کوروش بزرگ، رویداد نامه نبونید- کوروش و استوانه نبونید، یکدیگر را تأیید می کنند.

در منشور کوروش و رویدادنامه نبونید-کوروش از فتح بدون جنگ بابل و رفتار شایسته کوروش بزرگ با مردم بابل سخن به میان می آید. شاید بتوان گفت که روایت های مربوط به چگونگی فتح شهر در گفته ی گزنفون با روایت های اشخاص دیگر آمیخته شده است.

گزنفون می نویسد:

سپاه آغازید به درون شهر رفتن، و از کسانی که با ایشان رویاروی آمدند چندی کشته شده و بر زمین افتادند...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۲۶، ترجمه ابوالحسن تهامی

اما در منشور کوروش مطلب اینگونه بیان شده است:

(و آنگاه که) سربازان بسیار من [=کوروش] دوستانه اندر بابل گام برمی داشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) در تمامی سرزمین های سومر و اکد ترساننده باشد.

بند ۲۴ منشور کوروش بزرگ، ترجمه عبدالمجید ارفعی

همچنین رویداد نامه نبونید کوروش اینچنین است:

در روز شانزدهم، Ugbaru (گوبریاس)، فرمانده ی Gutium (احتمالاً سرزمین گوتی ها) و سپاه کوروش بدون جنگ وارد بابل شدند.

رویداد نامه نبونید-کوروش، ستون ۳، بند های ۱۵ و ۱۶

ممکن است روایت هایی که گزنفون درباره رویارویی با جنگجویان نوشته است؛ مربوط به شخص دیگری (شاید کوروش یکم، پدر بزرگ کوروش بزرگ) باشد که شهری را فتح کرده است. اما روایت های بعدی گزنفون که حاکی از رفتار نیک کوروش با مردم بابل است، مربوط به کوروش دوم (بزرگ) باشد؛ چرا که منشور کوروش بزرگ و رویدادنامه نبونید-کوروش و حتی منابع یهودی، هماهنگی نسبی با این بخش کوروش نامه ی گزنفون دارند.

اما به هر حال منابع یونانی اطلاعات سودمندی در اختیار ما می گذارند و می توان اشتراکات را از آنها بیرون کشید و به بررسی آنها پرداخت. وقتی منابع را کنار هم بگذاریم، همه در موارد انسانی و نیک کوروش اشتراک نظر دارند و از این رو اکثر پژوهشگران نظر مثبتی به کوروش دارند. ولی این نظر مثبت برای همه ی پادشاهان هخامنشی صادق نیست. چرا کسی از اردشیر سوم چیزی نمی گوید؟! پس اینکه اکثر اوقات از کوروش به نیکی یاد می شود؛ به دلیل بررسی های دقیق تاریخی است. اما نمی دانم، امروز، شخصی که بدون بررسی های دقیق بر روی روایات، با تحریف و دگرگونی آنها مواردی نادرست را در فضای مجازی گسترش می دهد؛ به دنبال چیست؟!

مطلب کامل: این نوشتار تنها بخشی از یک نوشتار کامل پیرامون تحریف نوشته های گزنفون توسط رضا مرادی غیاث آبادی بود.

غیاث آبادی و مصادره اسناد تاریخی

همچنین خوانندگان این مقاله در نظر داشته باشند از آنجایی که جناب غیاث آبادی را بسیاری از محققین تاریخ ایران میشناسند و میدانند که ایشان قصد تحریف تاریخ ایران را دارند ایران ستیزان و تحریفگران اخیرا مطالب آقای غیاث آبادی را بدون ذکر نام ایشان به چاپ میرسانند.

برگرفته از وبسایت ((نقد رضا مرادی غیاث آبادی)) نوشته آقای فریدون فرمزار

بنگرید به:

کوروش مردم شهر را کشته است؟! (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)

این نوشتار طبق سیاست جدید پارسیان دژ در این وبسایت قرار گرفته است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «کوروش مردم شهر را کشته است؟! (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1839/pdf/15373-2.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵